

مؤلفه‌های جمهوریت در اندیشه شهید مزاری



□ توسلی غرجستانی

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

پیش درآمد

که نظام جمهوری در مقابل نظام موروثی است. در نظام جمهوری تأکید بر نبودن دایمی منصب حاکمیت برای اول شخص مملکت است؛ بلکه بسته به نوع قانون اساسی کشورها از لحاظ زمانی متفاوت است. در نظام جمهوری ممکن است اعلا درجه مردم‌سالاری وجود داشته باشد و شخص اول کشور با رأی مستقیم مردم انتخاب شود و یا ممکن است در درجه پایین تر قرار بگیرد و با رأی غیرمستقیم مردم انتخاب شود و حتی ممکن است اصلاً با رأی مردم انتخاب نشود؛ لیکن زمامدار حکومت خود را جمهوری بنامد. از این رو، می‌توان گفت که حکومت جمهوری به معنای حکومت غیرسلطنتی است. بنابراین، می‌توان حکومت جمهوری را این‌گونه تعریف کرد که جمهوری شیوه‌ای از حکومت‌داری

پیشینه حکومت یا نظام سیاسی برمی‌گردد به دوره و عصری که انسان‌ها زندگی اجتماعی / کلونی را برای مدیریت منافع و جلوگیری از تضاد منافع و تقابل برگزیدند. این نوع حاکمیت‌ها گاهی در قالب ملوک‌الطوایفی و گاه در قالب امپراتوری و گاهی در قالب پادشاه ظهور و بروز داشته‌اند. جمهور و جمهوریت که به مفهوم امر عمومی یا عموم مردم گاه معنا می‌شود، به تدریج در روم و یونان باستان وارد ادبیات سیاسی حکومت‌داری تحت عنوان دولت‌شهرها شد. نخستین بار این واژه را افلاطون برای نام کتاب خود تحت عنوان «جمهوریت» برجسته ساخت. حکومت‌ها گاهی به صورت موروثی بوده و است و گاه به صورت مقطعی و غیرموروثی. آن چه مسلم است این است

است که بر پایه مردم‌سالاری (دموکراسی) یا غیردموکراسی، مردم حق حاکمیت بر سرنوشت اجتماعی خودشان را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق زمامدارانی که با رضایت و رأی مستقیم یا غیرمستقیم آنان به گونه‌ای که توارث در آن دخالتی نداشته باشد، تعیین شده و افراد برگزیده شده نیز اقتدار معین قانونی خود را در یک مدت محدود و تحت نظارت بخشی از مردم اعمال می‌نمایند.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که حکومت جمهوری و دموکراسی از نظر توجه به نقش مردم با یکدیگر شباهت‌هایی دارند؛ اما تفاوت اساسی بین این دو نوع حکومت وجود دارد که در گرو روشن شدن معنای آن‌ها است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

دموکراسی (Democracy) به معنی حکومت به وسیله مردم یا شیوه زندگی جمع یا جامعه‌ای است که در آن به افراد حق داده می‌شود برای مشارکت آزادانه، از فرصت‌های مساوی برخوردار باشند و با شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی نظیر؛ اصل رضایت، اصل مشارکت، اصل برابری، اصل آزادی، حاکمیت قانون و حاکمیت اکثریت مردم و... تعریف می‌شود و دارای گونه‌ها و مدل‌های مختلفی است و مشخصه اصلی دموکراسی، اعلان رسمی اصل تبعیت اقلیت از اکثریت و به رسمیت شناختن آزادی و حقوق مساوی افراد و اتباع است. (بخشی، ۱۳۸۳: ۱۷۰)

اصطلاح «جمهوری» (Republic) در فلسفه سیاسی مفهومی معین، ثابت و غیرقابل تغییر ندارد. گاه این اصطلاح در مقابل رژیم سلطنتی، گاه در برابر رژیم دیکتاتوری و خودکامه و گاه در مقابل حکومت به وسیله چند تن که به آن اریستوکراسی یا حکومت اشرافی نیز می‌گویند، به کار می‌رود. جمهوری نوعی حکومت است که در آن جانشینی «رئیس کشور» ارثی نیست و مدت «ریاست جمهوری» در آن محدود است و انتخاب رئیس کشور، که «رئیس جمهور» نامیده می‌شود، با رأی مستقیم یا غیرمستقیم مردم انجام می‌شود. البته باید یاد آورد شد که دولت‌ها و حکومت‌هایی که امروز به نوعی نظام جمهوری در آن‌ها وجود دارد، همه مراتب یکسان از مردم‌سالاری و دموکراسی را ندارند؛ بلکه می‌توان گفت مقوله

جمهوریت یک مقوله تشکیکی است که بهترین و برترین آن نوعی نظامی است که تمام ویژگی‌های یک جمهوری مبتنی بر دموکراسی و مردم‌سالاری را به صورت مستقیم داشته باشد.

دسته‌بندی که از نوع نظام جمهوری در دنیا می‌توان ارائه کرد سه دسته است. ۱. جمهوری‌های دموکراتیک و مردم‌سالار، ۲. جمهوری‌های اسمی با حاکمان نظامی و یا دیکتاتور و ۳. جمهوری‌های دموکراتیک توده‌ای با یک حزب و بدون آزادی‌های متداول و رایج در نوع اول.

افغانستان نیز در طول حیات سیاسی خود دو نوع نظام جمهوری را تجربه کرده است. جمهوری داوود خان که در سال ۱۳۵۲ از طریق کودتای سفید، نظام سلطنتی موروثی ظاهرشاه را سرنگون کرد. در سال ۱۳۵۷ نظام جمهوری داوود خانی که از نوع دوم نظام جمهوری بود با کودتای خونین دیگر سرنگون شد و با نظام جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان که آن هم از نوع دوم جمهوری بود، جایگزین شد. در ادامه دکتر نجیب به دلایلی نظام جمهوری دموکراتیک خلق را تبدیل به دولت جمهوری افغانستان تغییر داد و تا این‌که این جمهوری نیز در سال ۱۳۷۱ توسط مجاهدین سرنگون شد. از سال ۲۰۰۱ به بعد نظام جمهوری اسلامی در افغانستان به وجود آمد که حداقل‌هایی از ویژگی نظام جمهوری نوع اول را دارا است؛ یعنی آزادی سیاسی، بیان، احزاب وجود داشته و دارد و زمامدار (رئیس جمهور) توسط آرای مستقیم مردم برگزیده می‌شود که تا کنون چهار بار انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده است. هر چند ممکن است به دلایل و شرایط موجود سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و پیشینه تاریخی تمام ویژگی‌ها و برجستگی‌های نظام جمهوری نوع اول در نظام جمهوری اسلامی فعلی افغانستان وجود نداشته باشد؛ اما اکثر مقوله‌ها و ویژگی‌های نظام جمهوری مبتنی بر دموکراسی در نظام کنونی وجود دارد و به نحوی می‌توان گفت این نوع نظام برای شهروندان و نهادینه شدن حقوق برابری شهروندی در افغانستان ضروری و مهم است.

شاخصه‌های جمهوریت / دموکراسی

برای این‌که روشن شود کدام مؤلفه‌ها و شاخص‌های

جمهوریت و دموکراسی در اندیشه شهید مزاری وجود داشته و ایشان به نحوی دغدغه آن را در مناسبت‌های مختلف ابراز کرده است، نخست شاخص‌ها و بنیان‌های جمهوری (از نوع اول) و مردم‌سالاری را لیست می‌کنیم و سپس آن‌ها را در سخنان و موضع‌گیری‌های رهبر شهید مصداق‌یابی می‌کنیم.

۱. **لیبرالیسم یا آزادی خواهی:** اندیشه و عمل آزادی‌خواهانه، نخست روی دو زمینه تأکید می‌کند. بیزاری از قدرت خودسرانه و کوشش برای به وجود آوردن شکل‌های دیگری از کاربست قدرت اجتماعی از سویی و بیان آزادانه عقاید شخصی از سوی دیگر. مهم‌ترین عناصر لیبرالیسم عبارتند از: تفکیک قوا، جامعه مدنی، نظارت مردم بر عملکرد دولت و حکومت، اولویت آزادی فردی بر عدالت اجتماعی، تمایز حوزه‌های خصوصی و عمومی، تساهل و حق مالکیت خصوصی.

۲. **پراگماتیسم:** دومین ویژگی دموکراسی پراگماتیسم است. امروزه پراگماتیسم شیوه تفکر آمریکایی و مبنای فلسفی دموکراسی را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، معنا و حقیقت امور و اندیشه‌ها را باید در فواید و آثار عملی آن‌ها یافت. اهمیت پراگماتیسم در دموکراسی از این جهت برجسته است که مردم را از پایبندی به افکار و سنن مستقر، به عنوان مخزن حقایق، رها می‌سازد.

۳. **نسبی‌گرایی:** بر این اساس هیچ ارزش مطلق، عینی و فراگیری که به حکم عقل و علم، قابل اثبات باشد، وجود ندارد. نسبی‌گرایی، تساهل را تقویت می‌کند و ضامن حقوق اقلیت‌ها است.

۴. **اصالت قرارداد:** «لاک» و «هابز» از قرارداد اجتماعی به عنوان مرحله تاریخی یاد می‌کنند. به این معنا که گذرانسان از وضع طبیعی به وضع مدنی، توسط قرارداد صورت می‌گیرد. بدین ترتیب نظم عمومی توسط قرارداد و به‌طور مصنوعی ایجاد می‌شود؛ آن هم برای یک بار و با الزام همیشگی و مستمر. ژان ژاک روسو، قرارداد اجتماعی را برای توجیه تأسیس نظم اجتماعی مشروع به کار می‌گیرد. بر این اساس، قرارداد، حاکمیت مردم را انتقال نمی‌دهد؛ بلکه مردم از این طریق، حقوق خود را به جامعه و اراده عمومی واگذار می‌کنند.

۵. **اصالت رضایت و قبول:** اطاعت از حکومت، بدون احساس رضایت مردم ممکن نیست. البته بعضی مثل لاک، رضایت مردم را از طریق رضایت ضمنی توجیه می‌کنند و بعضی هم مثل کانت، ایده رضایت فرضی را مطرح می‌نمایند.

۶. **اصالت برابری مدنی:** مطابق این اصل، همه انسان‌ها به صرف انسان بودن ارزش یکسانی دارند و باید با همگان به شیوه برابر رفتار شود. البته برابری در این جا صرفاً برابری حقوقی است؛ نه برابری به لحاظ اقتصادی و اجتماعی که آرمانی است. [هر چند نویسنده معتقد است که چنین برداشت آرمانی فرضی است و امکان تحقق مطلق آن وجود ندارد].

۷. **قانون و قانون‌گرایی:** وجود قانون به عنوان یکی از اصول دموکراسی، لزوماً و فی‌نفسه بیان‌گر وجود نظام دموکراتیک و مبتنی بر آرای مردم نیست. اصول و قواعد چنانچه ابدی و لایتغیر تلقی شوند، خصلتی کاملاً غیر دموکراتیک می‌یابند. بر همین اساس در دموکراسی‌ها، قوانین اساسی از تغییر و جرح و تعدیل در امان نیستند و دقیقاً بر همین مبنا است که استمرار قانون اساسی گذشته، دال بر حکومت مردگان بر زندگان نمی‌شود؛ زیرا در صورت بروز اختلاف بین دموکراسی و قانون اساسی، این قوانین هستند که باید متحول و دگرگون شوند و بر حسب شرایط جدید بازسازی شوند. شاید یکی از دلایل نبود **بنیاد اندیشه** **تاسکودتا** و انقلاب‌های خونین در جوامع غربی - برخلاف جهان سوم - همین خصیصه نگاه مستمر اصلاحی به قوانین است.

۸. **شهروندی:** این مفهوم پس از عصر رنسانس و در انقلاب کبیر فرانسه به شکوفایی کامل رسید و در اعلامیه حقوق انسان و شهروند سال ۱۷۸۹ بروز کامل یافت. روسو، «شهروند» را کسی می‌داند که واجد اراده عمومی و فضیلت مدنی باشد. در قرن نوزدهم مفهوم شهروند، کسانی را شامل می‌شد که در تعقیب خیر و صلاح و تأمین رفاه خویش باشند و بالاخره در قرن بیستم با مفهوم حقوق اجتماعی درآمیخت. از دیدگاه لیبرال‌ها، شهروندی عبارت است از توانایی افراد در تشکیل و تعقیب برداشت خودشان از مفهوم خیر و مصلحت همراه با رعایت حق دیگران در اقدام برای برداشت دیگری از آن مفهوم. بدین سان هرچه مفهوم شهروندی از حوزه اراده عام به اراده

افراد نزدیک شود، بیشتر در اندیشه دموکراتیک معاصر جای می‌گیرد.

۹. **حاکمیت مردم:** این اصل، یکی از اصول اساسی دموکراسی به شمار می‌رود. کشورهای غربی مدت‌ها است که راجع به منشأ حاکمیت به توافقی در زمینه غیرالهی (خلافت، امارت، ولایت) بودن حاکمیت رسیده‌اند و این مطلب، راه را برای وصول به اصل اراده و حاکمیت مردم و برخی دیگر از اصول دموکراسی باز کرده است.

۱۰. **حقوق بشر:** تا قبل از قرن هفدهم، آن‌چه از مفهوم حقوق بر می‌آمده، برخاسته از حقوق طبیعی ملهم از قانون طبیعی بود؛ اما از آن زمان مفهوم حقوق بشر به عنوان مجموعه حقوقی که انسان‌ها صرفاً به حکم انسانیت خود از آن برخوردارند، در فرهنگ بشری تثبیت شد. بدین ترتیب انسان‌ها واجد حقوقی شدند که محصول نظام جامعه و دولت است و تنها بر ایند طبیعت و سرشت او نیست. در گذشته، حقوق تنها به دنبال تکالیف معنا می‌یافت؛ اما حقوق بشر بر آن دسته از حقوق انسانی تأکید می‌کند که حتی در صورت عدم انجام تکالیف پابرجا هستند. به عنوان مثال، آزادی بیان حق تک‌انسان‌ها است و این‌که از این آزادی در جهت ابراز کدام عقاید استفاده شود، چندان مهم نیست و یا حق مالکیت، حقی غیر قابل سلب از افراد است و هیچ قانون موضوعه‌ای نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. کسانی چون ارسطو و آکویناس منکر حقوق برابر برای همگان بودند؛ زیرا از نظر آن‌ها انسان‌ها ذاتاً نابرابر و برخی زرین و برخی مسین بودند؛ اما اعلامیه استقلال آمریکا «همه آدمیان را آفریده‌هایی برابر با حقوق مشخص و غیر قابل سلب» می‌دانست. (جوهری حقیقی، ۱۳۸۰: ۲۲).

شاخصه‌های دموکراسی در اندیشه شهید مزاری

شهید وحدت ملی با توجه به شناخت عمیقی که از شرایط و اوضاع گذشته و حال زمان خود از افغانستان داشت، با ساده‌ترین قالب و واژه‌ها برداشت و دیدگاه خود را در دوره کوتاه رهبری خویش بر حزب وحدت اسلامی، برای آینده افغانستان

از ابعاد و زوایای گوناگون بازگو کرده است. ایشان راه بیرون رفت از چالش چندین دهه افغانستان را پذیرش همدیگر و مراجعه به آرا و نظریات مردم می‌دانست و حکومت برآمده از راه زور، تزویر و ارشی راز می‌کرد و بر وجود شاخصه‌های یک حکومت مبتنی بر دموکراسی و آرای مردم تأکید داشت.

مشارکت عادلانه مردم در حکومت: استاد مزاری پس از پیروزی مجاهدین در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود بر مشارکت عادلانه و مؤثر مردم در حکومت تأکید داشت و عدم مشارکت مردم و عدم رعایت حقوق آنان در حکومت را منافی با ارزش‌های دموکراسی و تنوع ملیتی در افغانستان تلقی می‌کرد. استاد مزاری در مصاحبه با سودابه جوادی، خبرنگار بی‌بی‌سی پس از پیروزی مجاهدین چنین اظهار نظر کرده است: «حزب وحدت یک خواست دارد و آن این‌که حقوق ملیت‌هایی که در افغانستان وجود دارند و در جهاد و مبارزه چهارده ساله سهم داشته، این در حکومت فعلی در نظر گرفته شود... باقی ملیت‌ها را هم به تناسب موجودیت ملی‌شان، در غیر این صورت این حکومت برای ما قابل قبول نیست.» (فریاد عدالت، ۱۳۹۶: ۲۴) همچنین رهبر شهید در مصاحبه با خبرنگار جمهوری اسلامی نسبت به مشارکت عادلانه تمام گروه‌ها در حکومت آینده افغانستان چنین گفته بود: «ما خواهان رعایت حقوق مساوی برای تمام گروه‌های جهادی در دولت آینده افغانستان هستیم.» (همان: ۲۶)

انتخابات و حق حاکمیت مردم: استاد مزاری به مناسبت‌های مختلف راه بیرون رفت کشور از مشکلات و چالش‌هایی موجود را تنها انتخابات عادلانه و اعمال حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش می‌دانست. وی در یکی از مصاحبه‌های خود در تاریخ ۳۱ جوزا ۱۳۷۱ با خبرنگار بی‌بی‌سی چنین گفت: «پایه‌های اساسی و مردمی برای یک حکومت وقتی به وجود می‌آید که انتخابات عمومی برگزار شود و مردم آزادانه سرنوشت خود را تعیین کرده و قدرت سیاسی را به کسی و کسانی تحویل دهند.» (همان: ۲۹). در همان تاریخ شهید مزاری در جواب خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی چنین گفت: «ما آینده افغانستان را بسیار خوب می‌دانیم و مصمم هستیم که در افغانستان یک حکومت اسلامی منتخب به

وجود بیاید تا صلح و ثبات و آرامش را در منطقه اعاده کرده و عدالت اجتماعی را در کشور تحقق بخشد.» (همان: ۳۱).

حق شهروندی: شهید وحدت ملی در سخنان و مصاحبه‌های خود همیشه بر رعایت حق شهروندی برابر همه شهروندان کشور که جزئی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جمهوریت و دموکراسی است، تأکید می‌کرد. از آن جایی که در گذشته حتی از لحاظ رسمی میان شهروندان کشور مراتب و طبقات اجتماعی به نحوی وجود داشت، استاد مزاری تأکید می‌کرد که مبارزه ما تا آن زمانی ادامه خواهد داشت که «هزاره بودن دیگر جرم نباشد». هم چنین شهید مزاری برای تمام اقوام و به خصوص کتله‌های محروم افغانستان این حق برابری و دخیل بودن در تعیین سرنوشت سیاسی را قائل بود و آن را یک اصل خدشه‌ناپذیر می‌دانست. «استاد مزاری می‌خواست هزاره بودن جرم نباشد و مذهب شیعه قاجاق نباشد. او می‌خواست اوزبیک بودن طعنه نباشد و بلوچ بودن مجازات نداشته باشد.» (سخنرانی استاد دانش معاون رئیس جمهوری در سالگرد رهبر شهید، ۱۳۹۷). استاد مزاری در عین این‌که دنبال دفاع از حقوق تمام شهروندان افغانستان بود؛ اما راه رسیدن به آن را مبارزه مدنی می‌دانست نه مبارزه مسلحانه و قهرآمیز مگر در صورتی که مورد تجاوز طرف مقابل قرار بگیرد. «ما حقوق ملیت‌های محروم را می‌خواهیم و از آن دفاع می‌کنیم؛ اما هیچ‌گاه معتقد به اتخاذ شیوه‌های قهرآمیز و توسل به جنگ برای تأمین آن نبوده‌ایم و بعد از این نیز نخواهیم بود؛ ولی هرگاه بر ما تجاوز شود و دیگران بخواهند مواضع انحصارطلبانه‌شان را بر ما تحمیل نمایند، آماده دفاع از مردم خود هستیم.» (فریاد عدالت، ۱۳۹۶: ۸۲)

اصالت برابری مدنی زنان و مردان: شهید مزاری در زمانی که تبعیض علیه بخشی از جامعه از جمله زنان جریان داشت و این تبعیض در زمان حاکمیت طالبان شدت گرفت، معتقد بود که همه شهروندان افغانستان اعم از زن و مرد در تعیین حق سرنوشت سیاسی و انتخابات نقش برابر دارند. شهید وحدت ملی در پاسخ پرسش خبرنگار رادیوتلوویزیون ترکیه راجع به انتخابات و این‌که آیا زنان هم حق شرکت در انتخابات را خواهند داشت: گفت «ما تنها راه حل مسئله افغانستان را در

انتخابات می‌دانیم... ما معتقدیم که انتخابات باید کاملاً آزاد باشد و همه مردم افغانستان بتوانند در آن شرکت نمایند، ما سیستم انحصار را به هر شکلی و شیوه آن رد می‌کنیم و طرف‌دار شرکت کلیه مردم افغانستان اعم از زن، مرد، پیر، جوان و... برای تعیین سرنوشت سیاسی‌شان هستیم، این عادلانه نیست که مردان حق شرکت در انتخابات را داشته باشند؛ ولی زنان از این حق مسلم انسانی-اسلامی‌شان محروم باشند، همه حق دارند در انتخابات شرکت نمایند.» (همان: ۴۱)

اصالت رضایت و قبول: یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دموکراسی و اصل جمهوریت، رضایت و قبول مردم نسبت به حاکمیت است. شهید مزاری این اصل را با ساده‌ترین تعبیر و به مناسبت‌های مختلف ابراز داشته است. به عنوان نمونه ایشان نسبت به حکومت موقت تشکیل شده در پاکستان، آن را رد می‌کرد و دلیل ایشان هم این بود که در تشکیل این حکومت نمایندگان، همه مردم افغانستان حضور نداشته و از این رو مورد رضایت و قبول بخشی از جامعه نیست. استاد مزاری در پاسخ خبرنگار رادیوتلوویزیون ترکیه در پاسخ این پرسش که آیا شما با دولت موقت فعلی اختلافی دارید؟ گفت: «بله، این حکومتی است که در پاکستان تشکیل دادند و در آن جا نماینده ما حضور نداشت، ما با اصلش مخالف بودیم و اعتقاد داشتیم که همه نیروهای جهادی می‌نشستند و این حکومت را با تفاهم تشکیل می‌دادند و هیچ لزومی نداشت که در پاکستان تشکیل شود.» (همان: ۴۱).

اصالت قرارداد: یکی از شاخصه‌های مهم دموکراسی و جمهوریت، اصالت قراردادها است. چنان‌که پیش از این اشاره شد «ترتیب نظم عمومی توسط قرارداد و به‌طور مصنوعی ایجاد می‌شود؛ آن هم برای یک بار و با الزام همیشگی و مستمر». شهید مزاری در موضع‌گیری‌های خود به این شاخصه مکرر اشاره کرده است. وی در یکی از مصاحبه‌های خود در پاسخ خبرنگار که پرسیده بود شما از حکومت موجود چه می‌خواهید؟ روی این اصل چنین تأکید کرده است: «از حکومت موجود چیزی جز احترام به همان توافقی که دولت قانونی و مقبول خود آقایان با ما کردند، نمی‌خواهیم؛ در آن زمان نماینده‌های همه نیروهای جهادی در شورای جهادی

بودند و اکثریت شان این مسئله را پذیرفتند و رئیس این شورا آقای مجددی آن را امضاء کرده حالا ما می خواهیم که همین تعهدنامه را دولت فعلی نیز رعایت کند و عمل نماید، ما چیزی جدیدی نمی خواهیم.» (همان، ۴۲).

قانون و قانون‌گرایی: در برهه زمانی که شهید مزاری مسئولیت دبیرکلی حزب وحدت را بردوش داشت، بیشتر موقف‌گیری‌ها و ابراز موضع سیاست‌مداران بر ضرورت‌های دیگر تکیه می‌کردند؛ اما ایشان در همان بحبوحه جنگ و تنازع بقا توجه ویژه به قانون و قانون‌گرایی داشت. وی در مصاحبه‌ای با خبرنگاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران پیرامون تشکیل شورای اهل حل و عقد با عضویت ۱۲۰۰ نفر از ریش‌سفیدان و افراد متعهد چنین گفت: «پس از پایان کار شورا که رئیس آینده دولت اسلامی افغانستان را به مدت یک سال ونیم انتخاب خواهد کرد، حدود یک سوم این تعداد برای مجلس قانون‌گذاری افغانستان انتخاب می‌شوند و مجلس قانون‌گذاری افغانستان در طول مدت یک‌سال ونیم، پیش نویس قانونی اساسی کشور را تهیه خواهد کرد و برای تصویب نهایی به آرای عمومی گذاشته خواهد شد.» (همان، ۵۹) همچنین شهید مزاری به طور مرتب بر تشکیل حکومت قانونی تأکید می‌کرد و هر اقدام و اجراءات را خارج از دایره توافق و قانون مردود می‌دانست. شهید مزاری در مصاحبه ۱۳۷۱/۱۰/۵ با خبرنگاری بی‌بی‌سی با تأکید بر حل اختلافات از مجاری قانونی و توافقات انجام شده چنین می‌گوید: «آقای ربانی اگر قانونی عمل می‌کرد؛ یعنی پس از سپری شدن چهل و پنج روز قدرت را به شورای قیادی منتقل می‌ساخت و آن‌ها کس دیگری را مسئولیت می‌دادند و اعتراضات بالایی ترکیب فعلی شورای حل و عقد از سوی آنان بررسی می‌شد تا شورای یاد شده مطابق لایحه‌ای که احزاب آن را تدوین کرده بودند در زمان مناسب و ممکن دایر شود، مشکلی پیش نمی‌آمد.» (همان، ۸۶)

نتیجه‌گیری

باتوجه به آن‌چه گفته شد، مؤلفه‌های دموکراسی و جمهوریت

مبتنی بر آرای مردم و از نوع اول جمهوریت در اندیشه‌ها و موضع‌گیری‌های شهید مزاری بسیار برجسته و فرازمنند است. از این رو، می‌توان گفت که اندیشه‌ها و افکار شهید مزاری نه تنها برای زمان خود، بلکه برای زمان حال و آینده افغانستان نیز دارای اهمیت است. از این رو، می‌توان برای حل مشکلات کنونی افغانستان که حکومت جمهوری اسلامی افغانستان در حال مذاکره با گروه طالبان برای ایجاد صلح و حکومت فراگیر و همه شمول است، نیز مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا هر نوع تفاهم و توافق بدون در نظر گرفتن حق حاکمیت مردم، مشارکت عادلانه در حکومت، حق برابری شهروندی، رعایت حقوق زنان، متعهد بودن به قراردادهای اجتماعی و سیاسی، رضایت همگانی مردم، قانون و قانون‌گرایی و پذیرش همدیگر، منجر به ایجاد ثبات و تحکیم صلح پایدار در افغانستان نخواهد شد؛ بلکه ممکن است این تنازع به شکل و شیوه دیگر برای سال‌ها تداوم داشته باشد تا در نهایت همه کنشگران سیاسی به این مؤلفه‌ها و مسائل عمومی، اما همگانی پی ببرند و بر آن بنیاد سیستم حکومت داری را عیار سازند.

منابع و مأخذ:

۱. بخشی، علی آقا (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
۲. حواهری حقیقی، محمدرضا (۱۳۸۰)، بازتاب اندیشه، مبانی معرفتی دموکراسی و شاخص‌های مردم‌سالاری، ش ۲۲.
۳. سخنرانی استاد دانش معاون رئیس جمهوری در سالگرد رهبر شهید، ۱۳۹۷، کابل.
۴. مزاری، عبدالعلی (۱۳۹۶)، فریاد عدالت، مجموعه مصاحبه‌های شهید وحدت ملی، به کوشش عبدالله غفاری لعلی، کابل، بنیاد اندیشه.